



Investigating the Pattern of Residence of Immigrants and its Relationship with Slum area and urban poverty in metropolises Case Study: Mashhad Metropolis

Hossein Farhadikhah¹, Hossein Hattaminejad^{*2}, Aref Shahi³

1- Ph.D. Candidate of Geography and Urban Planning, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

3- Ph.D. Student of Geography and Urban Planning, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract: Migration has always been existed between human settlements at every level. But this issue has intensified in Iran after the 1960s and has increased in the following decades for various reasons, especially economic factors and climate change. The destination of these immigrants were often the metropolises of the country. Mashhad is one of the major metropolises that has always been attractive to the immigrant population, especially from the eastern half of the country. One of the dimensions of migration is immigrant's accommodation pattern in the destination cities which can affect service delivery, quality of urban environments and even socio-economic context of the city. This study as an applied research is trying to investigate immigrant's accommodation pattern in Mashhad metropolis and also its relation with marginalization and urban poverty using Descriptive Analysis. According to the results, immigrant's accommodation pattern in Mashhad is clustered and south-west (regions 9, 10 and 11) and also north-east area (region 3, and region 4 and 2 to some extent) have been immigrant absorbent clusters in Mashhad megacity. Also the results indicate that the immigrants' residential locations doesn't match perfectly with city' margins and there is no meaningful relationship between urban poverty and immigrants' accommodation pattern.

Key Words: Migration, urban poverty, marginalization, Mashhad metropolis.

بررسی الگوی محل سکونت مهاجران و ارتباط آن با حاشیه‌نشینی و فقر شهری در کلان‌شهرها

نمونه موردی: کلان‌شهر مشهد

حسین فرهادی خواه^۱، حسین حاتمی نژاد^{*۲}، عارف شاهی^۳

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشیار، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۰۳ تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۹

چکیده

مهاجرت، یکی از فرایندهایی است که همواره بین سکونت‌های انسانی در هر سطحی وجود داشته است؛ اما این مقوله در ایران بعد از دهه ۱۳۴۰ شمسی شدت یافته و در دهه‌های بعدی به دلایل مختلف به خصوص عوامل اقتصادی و تغییرات اقلیمی شدت بیشتری یافته است؛ مقصد بیشتر این مهاجران نیز کلان‌شهرهای کشور بوده است. کلان‌شهر مشهد، یکی از کلان‌شهرهایی است که همواره جاذب جمعیت مهاجر به خصوص از نیمه شرقی کشور بوده است. همچنین، یکی از ابعاد مهاجرت به شهرها، الگوی سکونت مهاجران در شهرهای مقصد است که بر نحوه خدمات‌رسانی و کیفیت محیط‌های شهری و حتی بافت اجتماعی-اقتصادی آن تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش، توصیفی تحلیلی است که به دنبال بررسی الگوی سکونت مهاجران در کلان‌شهر مشهد و نیز ارتباط آن با حاشیه‌نشینی و فقر شهری است. نتایج پژوهش نشان داده‌اند الگوی سکونت مهاجران در شهر مشهد از نوع خوشه‌ای است و محدوده جنوب غربی (منطقه ۹، ۱۰ و ۱۱) و نیز شمال شرقی (منطقه ۳ و تا حدودی منطقه ۴ و ۲)، خوشه‌های جاذب مهاجرت در کلان‌شهر مشهد بوده‌اند. همچنین، نتایج نشان داده‌اند محل سکونت مهاجران چندان با حاشیه‌های شهر انطباق ندارد و بین فقر شهری و الگوی سکونت مهاجران رابطه معنادار وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، فقر شهری، حاشیه‌نشینی، کلان‌شهر مشهد

مقدمه

(بیشتر جوامع شهری) در مقابل بهره‌مندی کمتر سایر گروه‌ها به‌ویژه مناطق روستایی شده است؛ بنابراین، بخشی از جامعه که از مواهب اولیه توسعه بهره‌مند نشده‌اند، با توجه به تخصیص امکانات اقتصادی و اجتماعی در مناطق توسعه‌یافته‌تر، به نواحی برخوردارتر روی می‌آورند تا جزئی اندام‌وار از مجموعه اجتماعی و اقتصاد آنها شوند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳:

کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه به دلیل رشد سریع جمعیت و درهم‌شکستن اقتصاد معیشتی مبتنی بر کشاورزی یا فرایند صنعتی شدن با رشد شهرنشینی شتابانی مواجه می‌شوند. در عین حال، در اینگونه کشورها منابع محدود و نابرابری‌های طبیعی و جغرافیایی باعث بهره‌مندی بیشتر بخشی از گروه‌های اجتماعی

* Corresponding Author: Hossein Hattaminejad

E-mail address: farhadikhah@yahoo.com, hattaminejad@ut.ac.ir, arefshahi@ut.ac.ir

Copyright2020@University of Isfahan. All rights reserved

افزایش می‌دهد، بافت اجتماعی این مناطق را تغییر می‌دهد، ممکن است مشکلات اجتماعی را در این مناطق تشدید کند و همچنین، برای تأمین خدمات مورد نیاز جمعیت تازه‌وارد، بر مدیریت شهری فشار وارد می‌شود. به همین دلیل، بررسی وضعیت توزیع فضایی اسکان مهاجران در سطح کلان‌شهرها، به‌خصوص اسکان آنها در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهرها ضروری است. طبیعتاً شهر مشهد نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این پژوهش سعی شده است این مهم روی شهر مشهد بررسی شود که دومین کلان‌شهر ایران، کلان‌شهر منطقه‌ای شرق کشور و یکی از مهم‌ترین قطب‌های مهاجرپذیر کشور است و حتی در دوره‌ای ۲/۶ برابر تهران (دوره ۱۳۵۵-۷۵) مهاجر پذیرفته است (مرصوصی و صائبی، ۱۳۸۸: ۸۰). این کلان‌شهر علاوه بر استان خراسان رضوی پذیرای مهاجرانی از استان‌های هم‌جوار به‌خصوص استان‌های شرقی و از کشورهای همسایه به‌ویژه افغانستان است؛ بنابراین، هدف این پژوهش بررسی الگوی سکونت مهاجران در کلان‌شهر مشهد و نیز بررسی انطباق محل سکونت مهاجران با مناطق فقیرنشین مشهد است.

مبانی نظری

مهاجرت

مهاجرت و جابجایی جمعیتی نشان‌دهنده پویایی و تلاش انسان است. انسان‌هایی که در یک مکان جغرافیایی زمینه تلاش را برای خود محدود می‌دانند، به مهاجرت اقدام می‌کنند. مهاجرت به‌عنوان واقعه‌ای تأثیرگذار بر رشد و تغییر جمعیت شایان توجه قرار می‌گیرد. مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت است و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه‌مدتی در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل یا عدم تعادل‌هایی را در جمعیت‌های متأثر از خود به وجود بیاورد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

با توجه به ماهیت چندبعدی مهاجرت، این پدیده از طریق نظریه‌های مختلفی بررسی شده است.

نظریه‌های اقتصادی نئوکلاسیک^۱ به تفاوت در دستمزدها و شرایط اشتغال بین کشورها و هزینه‌های مهاجرت تأکید می‌کنند و در کل، حرکت‌های مهاجرتی را یک تصمیم فردی در نظر

در ایران نیز رشد شتابان شهرنشینی همراه با مهاجرت روستاییان به شهرها باعث به وجود آمدن حاشیه‌نشینی به‌صورت گسترده شده است. نخستین مبدأ مهاجران روستایی و شهرهای کوچک مناطق مرزی شهرهای بزرگ‌تر این منطقه است (بزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷).

ظهور و پیدایش محلات فقیرنشین (اعم از سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های فقیر داخل شهر) هم در ایران و هم در جهان، همزاد و همراه پدیده مهاجرت و تا حدی پیامد آن بوده است. حاشیه‌نشینی در مقیاس وسیع و معنای جدید به دوره پس از وقوع انقلاب صنعتی در اروپا شروع شده و سپس از آنجا به سایر نقاط جهان گسترش یافته است. در ایران نیز پس از آغاز نوسازی اقتصادی و اجتماعی و دسترسی روستاها به خدمات جدید بهداشتی، آموزشی، مکانیزه‌شدن کشاورزی و تغییر الگوی مدیریت روستایی و همچنین، ظهور اقتصاد نفتی و قطع وابستگی به کشاورزی، مهاجرت‌های روستا - شهر آغاز شد که پیامد آن، پیدایش حاشیه‌نشینی اطراف شهرهای بزرگ بود؛ بنابراین به تدریج بیشتر شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ به مراکزی برای استقرار و اسکان مهاجران تبدیل شده است (نقدی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

به‌طور کلی گفتنی است شهرنشینی شتابان در کشورهای در حال توسعه، در نتیجه مهاجرت از محیط‌های کوچک شهری و روستایی، هم تأثیر گرفته از دافعه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این محیط‌ها و هم جاذبه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی شهر مقصد است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴). این مهاجران به‌علت پویانبودن اقتصاد جامعه و به‌خصوص نبود فرصت‌های شغلی متناسب با تخصص آنها، نمی‌توانند در نظام اقتصادی شهر ادغام شوند؛ بنابراین، به‌ناچار به مشاغل غیررسمی و درآمد پایین روی می‌آورند و در مناطق فقیرنشین شهرها ساکن می‌شوند (ماجدی و لطفی، ۱۳۸۶: ۴۰؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴؛ کمانداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۱). به عبارتی، در گستره‌های فقیر شهری، مهاجران فقیر تازه‌وارد از روستاها، نخستین خانه‌های ارزان‌قیمت و کوچک خود را بنا می‌کنند (بمیانان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۵). با این حساب معلوم می‌شود مهاجران واردشده به شهر، بیشتر در مناطق فقیرنشین و حاشیه شهرها ساکن می‌شوند. با توجه به اثرات مهاجرت و نحوه توزیع مهاجران در سطح کلان‌شهرها، به‌خصوص اسکان آنها در مناطق حاشیه‌نشین، بر کیفیت زندگی شهروندان این مناطق تأثیر می‌گذارد؛ زیرا میزان استفاده از امکانات محدود این مناطق را

¹ Neoclassical Economics

مهاجرت، تاریخی به بلندای زندگی اجتماعی بشر دارد که افراد برای دستیابی به فرصت‌ها و شرایط بهتر یا فرار از مخاطرات و تهدیدهای طبیعی و انسانی به مهاجرت اقدام می‌کنند. برای تبیین مهاجرت (علل و پیامدهای آن در مبدأ و مقصد) صاحب‌نظران از زوایای گوناگون به این پدیده نگاه کرده‌اند:

جدول ۱. دیدگاه غالب درباره مهاجرت

<p>انگیزه‌های اقتصادی معمولاً در همه انواع مهاجرت‌های اختیاری جزء متغیرهای مؤثر محسوب می‌شوند: در فراتحلیل مطالعات مربوط به مهاجرت در ایران نیز رتبه نخست به عوامل اقتصادی (۵۴/۷٪)، سپس اجتماعی - فرهنگی (۲۵/۵٪) و طبیعی - کشاورزی (۱۳/۲٪) و در نهایت، ۹/۶٪ به متغیرهای جمعیت شناختی نسبت داده شده است. از نظر اقتصادی، مهاجرت‌ها اعم از مهاجرت داخلی و بین‌المللی، مکانی‌می برای بازتوزیع نیروی کار است (قاسمی اردهالی، ۱۳۸۵ و زنجانی، ۱۳۸۰ به نقل از نقدی، ۱۳۸۹)</p>	<p>دیدگاه اقتصادی</p>
<p>در مواردی مهاجرت‌ها برای دورشدن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی و در مواردی نیز برای سکونت در نقاط خوش آب‌وهوا یا زندگی در بین جامعه، قوم یا فرهنگ خودی انجام می‌شود که نه تنها ممکن است انگیزه‌های اقتصادی نداشته باشد، بلکه در جهت عکس آن جریان می‌یابد (زنجانی، ۱۳۸۰ به نقل از نقدی، ۱۳۸۹)</p>	<p>دیدگاه اجتماعی</p>
<p>در اشکال مهاجرت‌های اجباری (مانند پناهجویان و رانده‌شدگان و درگیری‌های سیاسی) بیشتر ابعاد سیاسی مطرح است و جهت‌گیری‌های دولت‌ها در این زمینه مدنظرند: مطالعه مجموعه قوانین مشوق یا بازدارنده مهاجرتی دولت‌ها (سیاست‌های مهاجرتی) نشان می‌دهد قوانین و مقرراتی برای تابعیت خونی، پذیرش مهاجران رانده‌شده و پناهندگان وجود دارد که در بیشتر آنها به مهاجرت از دید سیاسی نگاه می‌شود؛ هرچند در مواردی چون پذیرش مهاجران رانده‌شده یا پناهندگان به جنبه‌های انسانی و بشردوستانه نیز تأکید می‌شود، در این موارد ملاحظات سیاسی بر اولویت‌های دیگر تأثیر می‌گذارد (زنجانی، ۱۳۸۰ به نقل از نقدی، ۱۳۸۹)</p>	<p>دیدگاه سیاسی</p>
<p>در مدل سیستمی، مهاجرت به‌عنوان یک حرکت دوری یا وابستگی متقابل، پیش‌رونده، پیچیده و خود تغییردهنده نگریسته می‌شود که در آن اثر تغییرات در هر یک جزء می‌تواند بر کل سیستم تأثیر بگذارد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸ به نقل از نقدی، ۱۳۸۹)</p>	<p>دیدگاه سیستمی</p>

می‌گیرند که برای افزایش درآمد مهاجرت انجام می‌شوند. برعکس، نظریه اقتصاد جدید مهاجرت^۱ شرایط مختلفی را در بازار در نظر می‌گیرد و مهاجرت را تصمیم خانوار می‌داند که هدف آن، کاهش خطرات مربوط به درآمد خانواده است و سعی می‌کند بر فشارهای ناشی از سرمایه غلبه کند که بر تولیدات خانوادگی تأثیر می‌گذارند. نظریه نظام جهانی^۲ و نظریه بازار کار دوگانه^۳ به‌طور کل، این فرایندهای تصمیم‌گیری در سطح خرد را نادیده می‌گیرند و به‌جای آن تأکیدشان بر نیروهایی است که در سطوح بالاتر انباشت سرمایه عمل می‌کنند. نظریات پیشین، دلیل مهاجرت را نیازهای ساختاری نظام اقتصاد سرمایه‌داری جدید می‌دانستند؛ درحالی‌که نظریات بعدی، دلیل حرکت‌های جمعیتی را پیامد طبیعی جهانی شدن اقتصاد و نفوذ بازار در سراسر مرزهای ملی بیان کردند (برومندزاده و نوبخت، ۱۳۹۳: ۱۳۹۴).

در ارتباط با علل مهاجرت در کشورهای درحال توسعه، وجود جذابیت شهرها و برخی مشکلات روستانشینان باعث آهنک مهاجرت می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، تنها فقدان زمین کافی برای کشت، پایین بودن سطح بهداشت و درمان، نداشتن درآمد کافی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی عامل مهاجرت نیست؛ بلکه نقش جاذبه‌های مناطق شهری، به‌ویژه شهرهای بزرگ‌تر و توسعه‌یافته نیز بسیار مهم است و این عوامل همگی در مهاجرت روستایی‌ها به مناطق شهری مؤثر بوده‌اند (ملکی و حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). گفتنی است در کشورهای توسعه‌یافته، مهاجرت به شهرها به‌دلیل نیاز جوامع صنعتی و صنایع شهری بوده است که براساس آن، جمعیت از مناطق بدون امکانات شغلی و محروم از تسهیلات زندگی، به مناطق شهری و مراکز صنعتی، بیشتر به نفع رشد و توسعه اینگونه جوامع انتقال یافته‌اند (ماجدی و لطفی، ۱۳۸۶: ۴۰). برعکس، در کشورهای جهان سوم، نبود تعادل منطقه‌ای به‌خصوص نبود تعادل امکانات بین مناطق شهری و روستایی و متعادل نبودن امکانات و فرصت‌ها بین شهرهای کوچک و بزرگ و حتی اختلاف بین دسترسی‌ها و فرصت‌های زندگی بین کلان‌شهرها باعث انتقال جمعیت از مناطق (روستاها و شهرهای) کم‌برخوردار و نامناسب از لحاظ اقلیمی به شهرهای بزرگ شده است.

¹ New Economics of Migration

² World System Theory

³ Dual Labor Market

فقر شهری

رشد نامتوازن اقتصاد جهانی سبب افزایش تضاد طبقاتی در شهرها شده که از پیامدهای آن، پدیده‌های موسوم به فقر شهری است. بخش چشمگیری از این افزایش جمعیت شهری، با درآمد پایین در شهرها زندگی می‌کنند. مهاجرت تنها عامل افزایش فقر شهری نیست و کنترل مهاجرت به شهرها نمی‌تواند سیاست مناسبی برای کاهش فقر شهری باشد. نتایج مطالعات در کشورهای مختلف نشان داده‌اند رابطه اندکی بین مهاجرت و افزایش فقر شهری (نه تمرکز فقر در شهرها) وجود دارد و در بسیاری از کشورها، تمام مهاجران به شهرها الزاماً کم‌درآمد نیستند و رشد شهرها از دو عامل یعنی رشد طبیعی جمعیت شهری و ادغام روستاهای اطراف در شهرها نیز تأثیر گرفته است (بهاراگلو و کسیدس^۱، ۲۰۰۲؛ پین^۲، ۲۰۰۴؛ با وجود این، براساس گزارش سازمان جهانی اسکان بشر، ۴۳٪ از جمعیت شهری مناطق در حال توسعه و ۷۸٪ از جمعیت شهری مناطق کمتر توسعه یافته در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند و در بسیاری از کشورها، فقر شهری نادیده گرفته می‌شود (UNDP, 2005: 13).

فقر شهری در واقع از انقلاب صنعتی و هم‌زمان با مهاجرت روستاییان و سکونت آنها در محیطی نامناسب از نظر نحوه سکونت و اشتغال تشدید شده است. جدایی‌گزینی فقرا در نقاط خاص شهری و تراکم‌های بالای افراد، محیط کثیف، کار در بخش غیررسمی، خرده‌فرهنگ کج‌رو و نبود حمایت قانونی و گسست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از شهر اصلی، از مصادیق این فقر است. در ایران به‌موازات رشد شهرنشینی (ناشی از مهاجرت) سکونت در محلات فقیرنشین نیز افزایش یافته است (زادولی خواجه و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷).

ایران از جمله کشورهای در حال توسعه است که در دهه‌های گذشته با افزایش میزان شهرنشینی و گسترش فقر شهری، نواحی فقیر شهری در آن افزایش یافته است؛ به طوری که در زمان حاضر برنامه‌ریزی برای سکونت کم‌درآمدها و ساماندهی محلات فرودست شهری، به‌ویژه در کلان‌شهرها و مناطق پیرامون آنها، از مسائل مهم توسعه شهری در کشور است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). شهر مشهد، دومین شهر پرجمعیت ایران، به‌علت

پذیرش گسترده مهاجران شهری و روستایی از داخل و خارج کشور، در چند دهه اخیر به شدت رشد کرده است. این امر موجب کمبود خدمات و افول شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، به‌ویژه در برخی محلات این شهر شده است. در این پژوهش، براساس اطلاعات آماری موجود، توزیع فضایی فقر در شهر مشهد با استفاده از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بررسی خواهد شد.

فقر شهری پدیده چندبُعدی است و شهرنشینان به‌علت بسیاری از محرومیت‌ها، از جمله دسترسی نداشتن به فرصت‌های اشتغال، نداشتن مسکن و زیرساخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و در دسترس نبودن بهداشت و آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیقه‌اند. فقر شهری تنها به ویژگی‌های نامبرده محدود نیست و به اوضاع ناپایدار، آسیب‌پذیری و ناتوانی در مقابل آسیب‌ها نیز نظر دارد. بدیهی است اجرای سیاست‌های کاهش فقر، بدون تعیین گستره و ابعاد آنها، موفقیت چندانی نخواهد داشت (بهاراگلو و کسیدس^۳، ۲۰۰۲: ۱۲۳)؛ اما آنچه در مقوله فقر در حوزه مطالعه‌های شهری اهمیت می‌یابد، تبلور فضایی فقر در شهرهاست. تبلور فضایی فقر در قالب شکل‌گیری و بسط گستره‌های فقر، بافت‌های فرسوده، بافت‌های ناکارآمد، اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی با مشکلات حاد مهاجران فقیر، بیکاری، اشتغال کاذب، بار تکفل سنگین، خشونت، ناامنی و ... مشاهده می‌شود (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴، رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۸۷).

ارتباط بین مهاجرت و مناطق فقیرنشین

مهاجرت روستا - شهری از دلایل مهم رشد شهری در ایران است و بین مهاجرت و حاشیه‌نشینی با رونق اقتصادی شهرها (تمرکز فرصت‌ها) رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه شهر از توان و رونق اقتصادی بیشتری برخوردار باشد، جاذبه بیشتری برای مهاجران و در نتیجه شکل‌گیری مناطق حاشیه وجود دارد؛ اما دلایل اساسی‌تر برای حاشیه‌نشینی و تشکیل محلات فقیرنشین را باید در ساختار اقتصاد سیاسی و الگوی برنامه‌ریزی توسعه کشورها جستجو کرد که به انواعی از نبود تعادل‌ها منجر می‌شود: یکی از آثار نبود تعادل در بهره‌گیری از مواهب توسعه‌یافتگی، به

¹ Baharaoglu and Kessides

² Payne

همچون فقر و بیکاری و کمتر عوامل جاذب شهری، از زادگاه خود (روستا)، ایل و یا شهر رانده شده و به شهر روی آورده‌اند و از آنجا که بیشتر این گروه‌ها بی‌سوادند و مهارت لازم را برای جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پسران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه کشانده است (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۴).

در زمینه بررسی شده پژوهش، یعنی رابطه بین محله‌های فقیر شهر با محله‌های انتخابی مهاجران برای سکونت تاکنون مطالعه چندانی انجام نشده است که صرفاً این موضوع را بررسی کرده باشد؛ بنابراین، در ادامه مهم‌ترین مطالعاتی آورده می‌شوند که در آنها فقر شهری و مهاجرت بررسی شده‌اند.

حجنال^۱ (۱۹۹۵) در پژوهشی، فقر تمرکز یافته در شهرهای آمریکا و کانادا را مقایسه کرده و نتیجه گرفته است فقر شهری تمرکز یافته در شهرهای کانادا بیشتر است. ژان دوکی^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با اندازه‌گیری فقر درون‌شهری با استفاده از معیارهای بافت و پوشش زمین مشتق از داده‌های سنجش از دور در شهر مدین^۳ کلمبیا^۴، به این نتیجه رسیده‌اند که فقر شهری بر دو اصل استوار است: نخست، ویژگی فیزیکی هر سکونتگاه شهری بازتابی از نظام اجتماعی است. دوم، افرادی که در نواحی فقیر شهری زندگی می‌کنند از لحاظ وضع کالبدی مسکن، موقعیت اجتماعی و ویژگی‌های جمعیتی شبیه به یکدیگرند.

ایشیاکیو و محمود^۵ (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «اهداف مهاجرت و تحقق اهداف آن در زاغه‌های شهر داکا^۶ پایتخت بنگلادش^۷» به این نتیجه رسیده‌اند که ۸۲٪ مهاجران معتقدند اهداف آنها از مهاجرت محقق شده است یا در حال محقق شدن است. همچنین، ۶۸٪ مهاجران از دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی راضی بوده‌اند و می‌خواستند پس از پس‌انداز کافی به روستاهای مبدأ خود برگردند؛ اما به دلیل نبود فرصت‌های مناسب اقتصادی در روستاها از این کار منصرف شده‌اند و مهاجرت معکوس (شهری - روستایی) اتفاق نیفتاده است.

تحركات ناموزون جمعیت در سطح استان‌ها مانند مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق در حال توسعه یا توسعه یافته‌تر منجر شده است (قرخلو و حبیبی، ۱۳۸۵، ۵۳).

ساکنین مناطق حاشیه شهرها و برخی از روستاهایی که در شهرها ادغام شده‌اند، اساساً از مهاجران روستایی تشکیل می‌شوند. پژوهش‌های متعددی در تهران، کرج، همدان، اهواز (قبل از انقلاب) و بوشهر انجام شده‌اند که نشان می‌دهند نه تنها حاشیه‌نشینی، فقر پایین جامعه را به لحاظ اقتصادی تشکیل می‌دهند، بلکه بیشتر آنها مهاجر بوده‌اند (توسلی، ۱۳۷۴: ۲۵). در حرکت سریع جمعیت روستایی به شهرها که با فقر اقتصادی مهاجران توأم است، همه مهاجران قادر به سکنی‌گزینی در محلات استاندارد شهری نبوده‌اند؛ بنابراین، مکان‌هایی را متناسب با درآمد خود انتخاب می‌کنند که نسبت به سایر محلات از استاندارد پایین‌تری از لحاظ زندگی برخوردارند (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۵). اگرچه مطالعات و پژوهش‌های موجود بیان می‌کنند توسعه محلات فقیرنشین با روند افزایش مهاجرت رشد بیشتری دارد، متناسب کردن مهاجران روستایی به تشکیل واحدهای آلودگی و رشد فرهنگ حاشیه‌نشینی، دور از واقعیت است (محسنی، ۱۳۸۹: ۸۵).

مهاجرت به عنوان یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی به‌نوبه خود منفی نیست؛ اما زمانی که به صورت وسیع انجام گیرد و شهرها امکانات و زیرساخت‌های کافی را برای پذیرایی از این جمعیت بزرگ نداشته باشند، شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهرها را سبب می‌شوند. حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی پدیده‌ای است که بعد از انقلاب صنعتی همراه با توسعه شهرها در کشورهای پیشرفته و سپس در کشورهای در حال توسعه گسترش بیشتری یافته است و در زمان حاضر نیز ادامه دارد (کمانداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

حاشیه‌نشینی در متون تخصصی علوم مرتبط به اجتماع و شهر، با عنوان‌های دیگری همچون سکونت غیررسمی، سکونت خودرو، سکونت نابهنجار یا نابسامان، سکونت عدوانی، آلودگی و زاغه‌نشینی و اصطلاحاتی از این قبیل نیز خوانده شده است (بوچانی، ۱۳۸۳: ۶۸ به نقل از رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۸۴).

عده‌ای بر این باورند که حاشیه‌نشینی کسانی‌اند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه خاستگاه،

1. Hajnal

2. Juan C. Duque

3. Medellin

4. Colombia

5. Ishtiaque, A., & Mahmud

6. Dhaka

7. Bangladesh

ده‌چشمه (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با موضوع «تحلیل جغرافیایی بر نتایج اکولوژیکی ناشی از مهاجرت در شهر اهواز» دریافته‌اند با وجود نرخ منفی مهاجرپذیری استان خوزستان در سرشماری ۱۳۸۵، شهر اهواز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و نخست شهری خود در این استان، همچنان از شهرهای مهاجرپذیر محسوب می‌شود. بر طبق تخمین‌های انجام‌شده در طی دوره ده ساله سرشماری ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نزدیک به ۳۶۴۵۰ نفر مهاجر با اهداف مختلف به این شهر وارد شده‌اند تا همچنان این شهر به‌عنوان شهری مهاجرپذیر قلمداد شود. همچنین، مهاجرت از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به الگوی توسعه فیزیکی ناموزون، ناامنی، ازدحام تراکم و مسائل زیست محیطی در این شهر شده است. نقدی (۱۳۸۶) در پژوهشی، رابطه بین مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که در ایران پس از آغاز نوسازی اقتصادی و اجتماعی و دسترسی روستاها به خدمات جدید بهداشتی، آموزشی و مکانیزه‌شدن کشاورزی و تغییر الگوی مدیریت روستایی و همچنین ظهور اقتصاد نفتی و قطع وابستگی به کشاورزی، مهاجرت‌های روستا - شهر، آغاز و در نتیجه، حاشیه‌نشینی اطراف شهرهای بزرگ نمایان شده است.

با مطالعه ادبیات تحقیق مشخص می‌شود خلأ بررسی فضایی پراکنش مهاجران در سطح شهرها و ارتباط آن با محلات فقیر شهر وجود دارد که این مهم در پژوهش حاضر بررسی خواهد شد.

محدوده مطالعه شده

محدوده مکانی تحقیق، شهر مشهد با جمعیت ۳۰۰۱۱۸۴ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ است. در دهه‌های اخیر، یکی از علت‌های مهم افزایش جمعیت و گسترش شهر مشهد، تمرکز شدید جمعیت، کار و سرمایه در آن است؛ به‌طوری‌که در زمان حاضر، تجمع شدید جمعیت در شهر مشهد دیده می‌شود و در اطراف آن تا فواصل زیاد هیچ شهر بزرگی، برخلاف غرب ایران وجود ندارد. بررسی آمارهای جمعیتی سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد این شهر حدود ۴۶٪ کل جمعیت خراسان رضوی و ۶۴٪ جمعیت شهری استان را در خود جای داده است (عباس‌زاده، گوهری و عسکری، ۱۳۹۵: ۶۶۲). این شهر، ۱۳ منطقه شهری، ۴۷ ناحیه شهری و ۱۵۷ محله دارد.

تاکولی و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «شهرنشینی، مهاجرت‌های روستا - شهری و فقر شهری» بیان کرده‌اند هرچند مهاجران عامل فقر شهری شناخته می‌شوند، اما همه مهاجران فقیر نیستند؛ با وجود این، بخش اعظم مناطق فقیرنشین شهر را مهاجران تشکیل می‌دهند که در بخش غیررسمی شهر (اقتصاد) جذب می‌شوند و با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند.

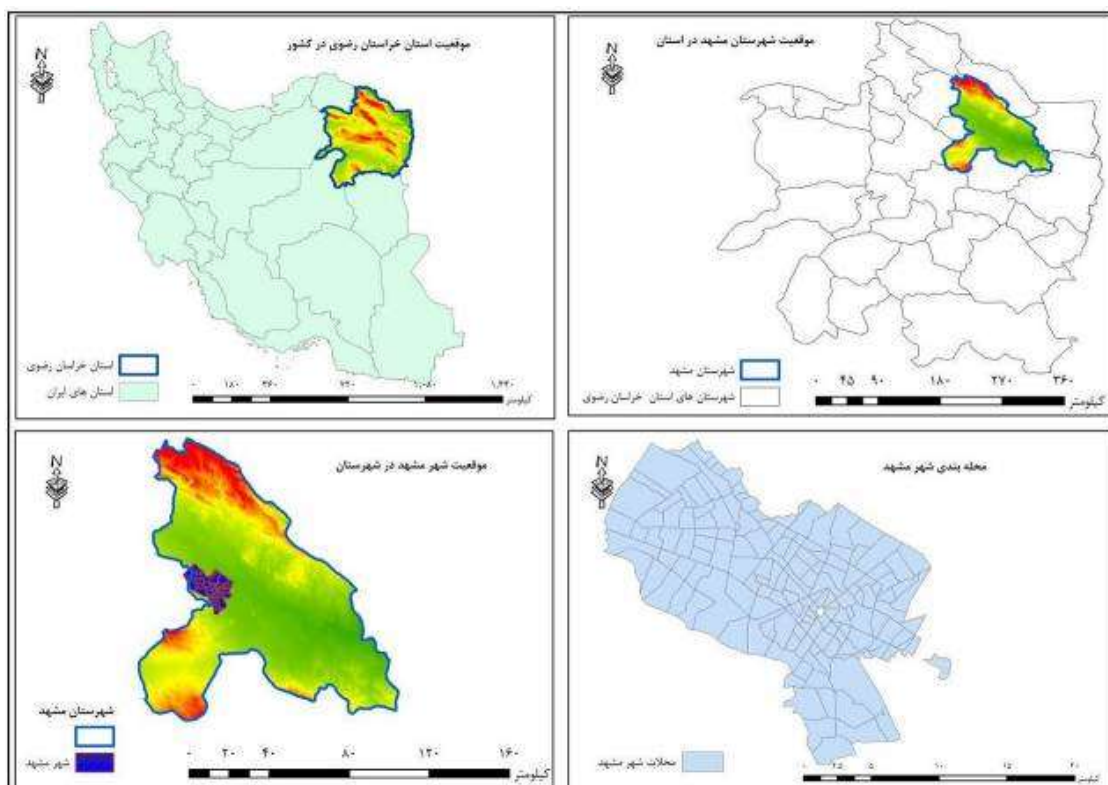
پارک و وانگ^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «مهاجرت، فقر شهری و نابرابری در چین» نتیجه گرفته‌اند برخلاف مطالعات قبلی که بیان می‌کرد میزان فقر درآمدی خانوارهای مهاجر ۱/۵ برابر خانوارهای ساکن محلی است، در میزان فقر مهاجران و ساکنان محلی اختلاف نسبتاً کمی مشاهده می‌شود.

همچنین هی^۳ و همکارانش (۲۰۰۸) در پژوهشی با موضوع «تمرکز و توزیع فقر در گروه‌های اجتماعی شهرهای چین» نشان داده‌اند در مقایسه با آمار رسمی کشوری، فقر بیشتر و شدیدتری در برخی از گروه‌های اجتماعی از جمله کارگران، بیکاران و مهاجران روستایی وجود دارد. آنها پیشنهاد کردند شبکه امنیت اجتماعی این گروه‌ها را شناسایی و از آنها حمایت کند. علی‌موحّد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، فقر شهری را در کلان‌شهر تهران تحلیل فضایی کرده‌اند. در این پژوهش، از ۴۳ شاخص مستخرج از داده‌های مرکز آمار، پهنه‌های فقر شهری را در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تحلیل فضایی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داده‌اند در تمام عوامل فقر مسکن، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، براساس شاخص‌های بررسی شده، مناطق ۱۹، ۱۷، ۱۸ و ۱۶ از فقیرترین مناطق تهران‌اند. قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه «بررسی تطبیقی کیفیت زندگی روستاییان مهاجر به روستاهای پیراشهری مطالعه موردی: دهستان تبادلکان شهرستان مشهد» به این نتیجه رسیده‌اند که روستاهای پیراشهری با وجود اختلاف زیاد با مقوله توسعه پایدار روستایی، به دلیل مجاورت با کلان‌شهر مشهد، امتیازات خاصی نسبت به سایر روستاهای شهرستان دارند. بدیهی است ریشه اصلی مهاجرت‌های روستا - شهری در وضعیت نابسامان اقتصادی و معیشتی روستاهای کشور نهفته است. مصطفی و مسعود محمدی

¹. Tacoli et al

². Park and Wang

³. He



نقشه ۱. محدوده مطالعه شده (نگارندگان، ۱۳۹۶)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی تحلیلی است. در گام نخست، با بررسی بلوک‌های آماری سرشماری سال ۱۳۹۰ شهر مشهد، شاخص‌های پژوهش استخراج شده‌اند. به علت اینکه فیله‌های خروجی سرشماری سال ۱۳۹۵ توسط مرکز آمار ایران بسیار محدود بودند و قابلیت کار پژوهشی را نداشتند، به‌ناچار از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ استفاده شد. گفتنی است پژوهش حاضر در ادامه و تکمیل‌کننده پژوهش قبلی با عنوان «تحلیل فضایی فقر شهری در سطح محلات شهر مشهد است»^۱ که در آن، جایگاه هر محله به لحاظ فقر شهری^۲ با توجه به تحلیل فضایی انجام‌شده در نرم‌افزار GIS، مشخص شده است. با توجه به اینکه در تحقیق قبلی صرفاً وضع

موجود محلات از نظر شاخص‌های مدنظر بررسی شده است، لازم بود کامل شود و یکی از عوامل مرتبط با فقر شهری یعنی مهاجرت نیز بررسی شود. در نهایت، رابطه بین محل سکونت مهاجران و محلات فقر شهری در نرم‌افزار SPSS بررسی شد.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی وضعیت مهاجران شهر مشهد از بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. در این بررسی‌ها مشخص شده است در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵ در مجموع، حدود ۱۵۰۷۷۲ نفر مهاجر وارد شهر مشهد شدند که ۷۶۵۳۳ نفر مرد و ۷۴۲۳۹ نفر زن بوده‌اند. بررسی‌ها نشان داده‌اند تعداد مردان مهاجر واردشده به شهر مشهد بیشتر از زنان مهاجر بوده است.

همچنین در این پژوهش مشخص شده است بین مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد از نظر مهاجریذیری اختلاف زیادی وجود دارد؛ هرچند طبیعی به نظر می‌رسد که در منطقه مرکزی شهر یعنی منطقه ثامن (منطقه‌ای که حرم رضوی در آن واقع شده است) به دلیل وضعیت تجاری، اقامتی و فرهنگی نزدیک حرم و نیز طرح‌های توسعه حرم رضوی، امکان سکونت دائم برای

۱. محققان محترم می‌توانند مقاله مذکور را در لینک www.ue.ui.ac.ir/article_22724.html در فصلنامه اقتصاد شهری مطالعه کنند.

۲. در این پژوهش، همانند پژوهش‌های مشابه، منظور از محله‌های فقیرنشین و مرفه حالت نسبی دارد؛ یعنی نسبت هر محله در مقایسه با سایر محله‌های شهر (با توجه به شاخص‌های بررسی‌شده) در نظر گرفته می‌شود، نه با معیارهای استاندارد.

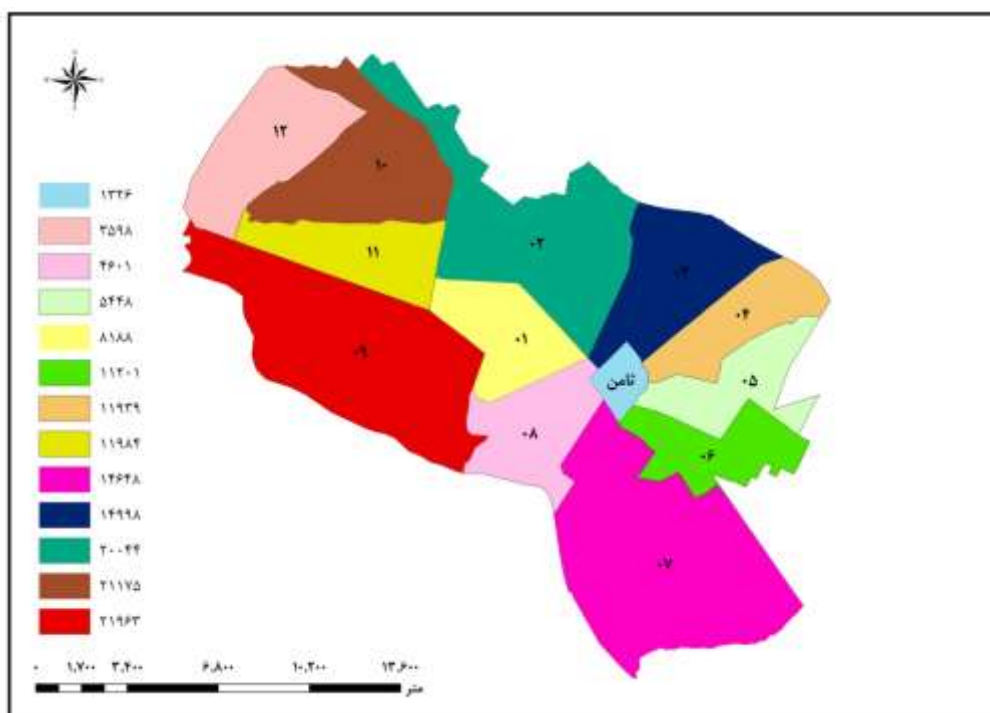
مهاجران را پذیراست و بر توسعه کالبدی آن تأثیر گذاشته‌اند: مهاجران با مبدأ خارج از کشور: مهاجران این گروه در سطح مشهد بر اساس جایگاه اجتماعی خود سکونت یافته‌اند؛ یعنی مهاجرانی که توانایی مالی خوبی ندارند، مناطق شرقی مشهد را برای اسکان انتخاب کرده و دسته‌ای که قدرت مالی بالاتر و مطلوبی دارند، مناطق غربی (مناطق ۹-۱۰-۱۱-۱۲) مشهد را هدف اسکان قرار داده‌اند. مهاجران منطقه ۹ از این گروه اخیر بوده و نقشی نیز در توسعه تکمیلی ایفا کرده‌اند.

مهاجران با مبدأ شهری: مهاجران با مبدأ شهرهای استان و نیز شهرهای سایر استان‌ها در زمره مهاجران به منطقه ۹ بوده‌اند که در انواع توسعه اعم از توسعه افقی-اصولی و توسعه تکمیلی و افقی-غیراصولی تأثیرگذار بوده‌اند. تأثیر این گروه در توسعه افقی-غیرقانونی نیز مشاهده می‌شود. همچنین، نقش این گروه در توسعه کالبدی-تکمیلی درخور توجه است.

مهاجران با مبدأ آبادی: مهاجران با مبدأ آبادی‌های استان عمدتاً در توسعه افقی-اصولی تأثیرگذار بودند (مرصوصی و صائی، ۱۳۸۸: ۸۳).

مهاجران کمتر وجود دارد و معمولاً برای سکونت خدمات‌رسانی به زائران، بیشتر خدمات تجاری و اقامتی ارائه می‌دهند. با وجود این، طی دوره بررسی شده در محله‌های منطقه حرم رضوی که شامل محله‌های بالا خیابان، عیدگاه، چهارباغ، طبرسی، محله پایین خیابان و نوغان است، در مجموع ۱۳۲۶ نفر مهاجر پذیرفته‌اند که ۶۹۵ نفر مرد و ۶۳۱ نفر زن بوده‌اند؛ بنابراین، این منطقه در دوره بررسی شده ۱۳۹۰-۱۳۸۵ کمترین مهاجر را نسبت به سایر مناطق شهر مشهد پذیرفته بود.

در مقابل منطقه ۹ ثامن، منطقه ۹ شهرداری مشهد قرار دارد که در قسمت جنوب غربی شهر مشهد واقع شده است. این محله شامل محله‌های اقبال، رضاشهر، شهرآرا، نیروی هوایی، آب و برق، بهارستان، چهار چشمه، حافظ، سرفرازان، کوثر، نوفل‌لوشاتو و هنرستان است. در مجموع، در این دوره ۲۱۹۶۳ مهاجر در این منطقه ساکن شده‌اند که ۱۰۴۷۵ آنها مرد و ۸۳ آنها زن بوده‌اند. بین محلات منطقه ۹ نیز محله رضاشهر با ۴۹۳۱ نفر مهاجر پذیرفته و رتبه اول مهاجرپذیری را داشته است. این منطقه بین مناطق شهر مشهد بیشترین مهاجر را پذیرفته است. در مجموع، سه گروه مهاجر به منطقه ۹ شهر مشهد وارد می‌شوند که بیشترین



نقشه ۲. میزان جمعیت مهاجر واردشده به مناطق مشهد

بین محلات مختلف شهر مشهد به لحاظ مهاجرپذیری اختلاف فراوانی وجود دارد؛ به طوری که محله طبرسی شمالی (۵۲۳۴ نفر) در منطقه ۳ شهرداری مشهد نزدیک به ۱۰ برابر محله دانش (۵۳ نفر) در منطقه ۸ بوده است. در مجموع، از محلات

مهاجران کمتری وجود دارد و معمولاً برای سکونت خدمات‌رسانی به زائران، بیشتر خدمات تجاری و اقامتی ارائه می‌دهند. با وجود این، طی دوره بررسی شده در محله‌های منطقه حرم رضوی که شامل محله‌های بالا خیابان، عیدگاه، چهارباغ، طبرسی، محله پایین خیابان و نوغان است، در مجموع ۱۳۲۶ نفر مهاجر پذیرفته‌اند که ۶۹۵ نفر مرد و ۶۳۱ نفر زن بوده‌اند؛ بنابراین، این منطقه در دوره بررسی شده ۱۳۹۰-۱۳۸۵ کمترین مهاجر را نسبت به سایر مناطق شهر مشهد پذیرفته بود.

مهاجران در سطح شهر تصادفی نبوده است؛ بلکه الگوی خوشه‌ای دارد. این بدان معناست که مهاجران در انتخاب محل سکونت خود الگوی خاصی را دنبال کرده‌اند و در همه جای شهر به صورت یکسان توزیع نشده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران باشد؛ به این ترتیب، هرچه افراد مهاجر از گروه‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتر باشند به سمت محلات مرفه شهر سوق پیدا می‌کنند و هرچه پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری داشته باشند به سمت محلات فقیرنشین شهر حرکت می‌کنند. از عوامل دیگر مؤثر در این زمینه، گتوهای قومی ایجادشده در سطح شهر است که افراد مهاجر سعی می‌کنند در کنار سایر همشهریان، آشنایان و ... (مهاجران قبلی)، منوط به توانایی اقتصادی مهاجران در قسمت‌های مرفه شهر سکنی گزینند. یک عامل دیگر مهاجرت‌های درون‌شهری به دلیل صرفه اقتصادی و رفاه مناسب‌تر بعضی از مناطق نسبت به سایر مناطق شهر است.

همچنین، بررسی نقشه ۳ نشان می‌دهد در محدوده حرم رضوی (ع) و در مجموع، بافت مرکزی شهری نسبت به سایر نقاط شهر، جمعیت مهاجر کمتری پذیرفته‌اند. دو محدوده جنوب غربی (منطقه ۹) و غرب شهر (منطقه ۱۰)، منطقه ۲ و تا حدودی شمال شرقی شهر (منطقه ۳ و ۴) مهاجر بیشتری پذیرفته‌اند.

همچنین، نقشه ۴ به خوبی جدول ۳ را تأیید می‌کند. در این نقشه لکه‌های داغ (تمرکز محل سکونت مهاجران) بیشتر روی قسمت غربی شهر مشهد به خصوص مناطق ۹، ۱۱، ۱۰ و ۲ و نیز منطقه ۳ و ۴ بوده است. در این نقشه مشاهده می‌شود در بافت مرکزی مشهد و منطقه ۳ تا ۴ لکه‌های سرد تشکیل شده‌اند؛ یعنی حداقل تمرکز مهاجران در این محدوده را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. نتایج شاخص موران برای محل سکونت

مهاجران

۰/۳۲۱۱	Moran's I
۹/۸۹۰۲	Z-Score
۰/۰۰۰	P-Value

طبرسی شمالی (منطقه ۳)، رضاشهر (منطقه ۹)، رسالت (منطقه ۱۰)، ولیعصر (منطقه ۱۰) و بهارستان (منطقه ۹) به عنوان رده‌های بالای محلات مهاجرپذیر و از محلات آیت‌الله خامنه‌ای (منطقه ۸) قائم (منطقه ۷)، محله سراب (منطقه ۸)، چهارباغ (منطقه ۸) و دانش (منطقه ۸) به رده‌های پایین محلات مهاجرپذیر می‌توان یاد کرد (جدول ۲). این موارد نشان می‌دهند محلات رده‌بالا در جذب مهاجران بیشتر در قسمت غربی شهر تمرکز یافته‌اند که از نظر اجتماعی، اقتصادی و کالبدی وضعیت مناسب‌تری دارند.

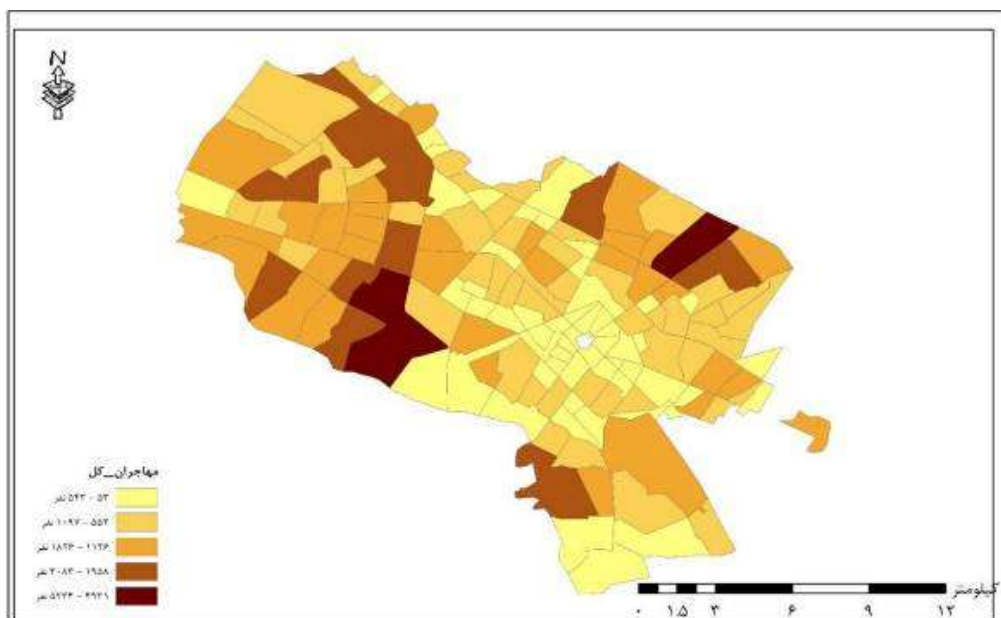
جدول شماره ۲. بالاترین و پایین‌ترین محلات مهاجرپذیر

شهر مشهد

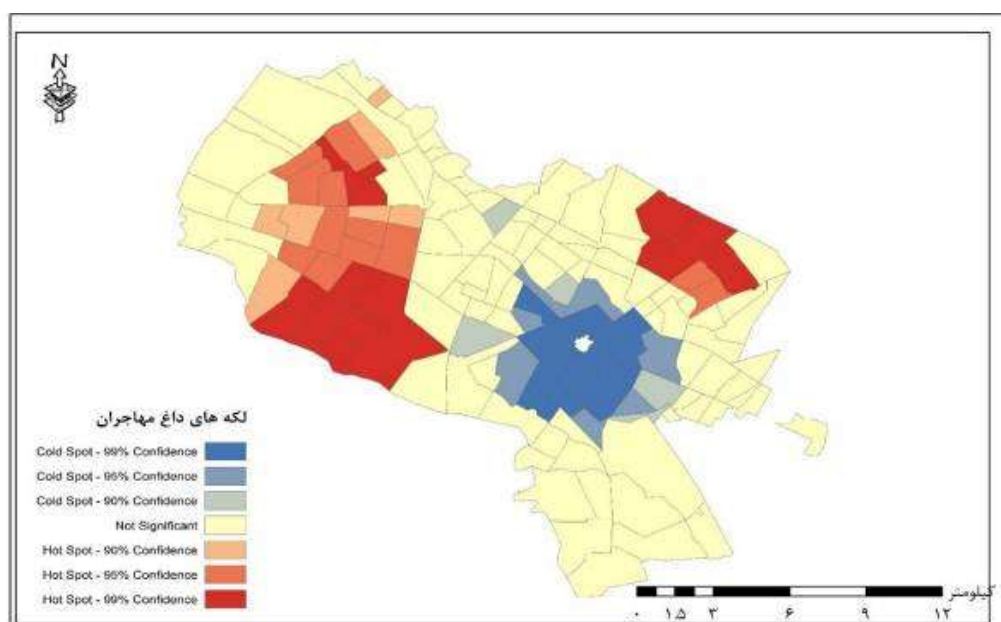
	نام محله	کل مهاجران	مهاجران مرد	مهاجران زن
بیشترین مهاجرپذیری	محله طبرسی شمالی	۵۲۳۴	۲۴۷۶	۲۷۵۸
	محله رضاشهر	۴۹۳۱	۲۰۶۲	۲۸۶۹
	محله رسالت	۳۸۲۴	۲۰۰۳	۱۸۲۱
	محله ولیعصر	۳۳۲۸	۱۸۲۱	۱۵۰۷
	محله بهارستان	۳۱۸۳	۱۶۳۶	۱۵۴۷

کمترین مهاجرپذیری	محله آیت‌الله خامنه‌ای	۹۷	۵۷	۴۰
	محله قائم	۷۹	۴۳	۳۶
	محله سراب	۶۲	۳۸	۲۴
	محله چهارباغ	۵۶	۴۹	۷
	محله دانش	۵۳	۱۹	۳۴
	مجموع	۱۵۰۷۷۲	۷۶۵۳۳	۷۴۲۳۹

در ادامه پژوهش برای بررسی وضعیت پراکنندگی محل سکونت مهاجران از نقشه توزیع محل‌های انتخابی سکونت مهاجران در سطح محلات شهر مشهد، آزمون‌های Hot-Spot و نیز آزمون Moran's I استفاده شده است. بررسی جدول ۳ نشان می‌دهد با توجه به مقدار P-Value=0.0 و نیز موران ۰/۳۲، توزیع



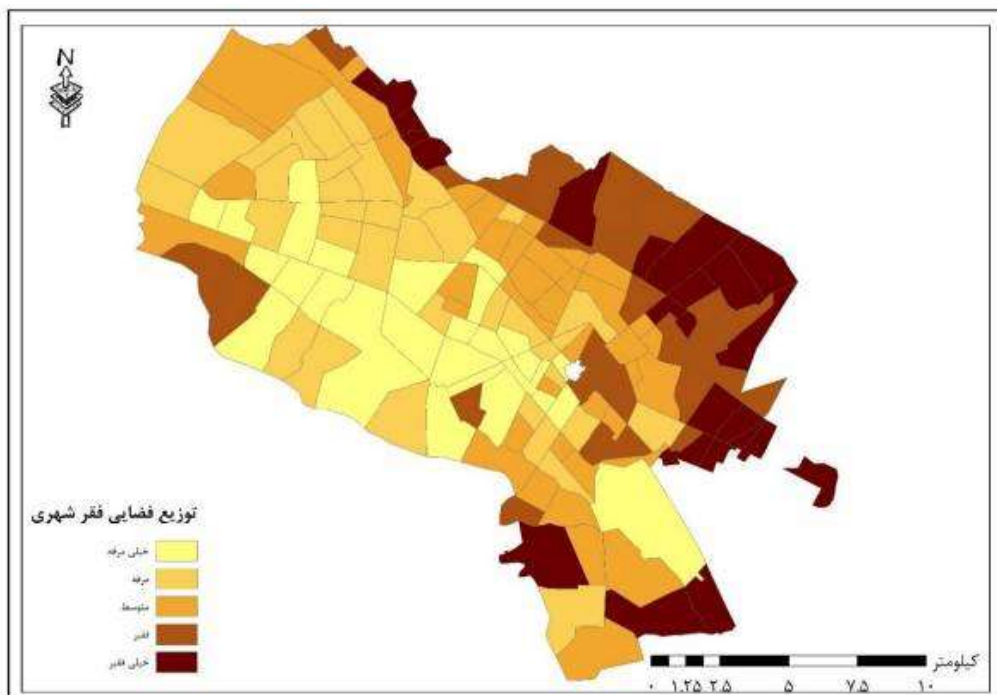
نقشه ۳. توزیع فضایی محل سکونت مهاجران



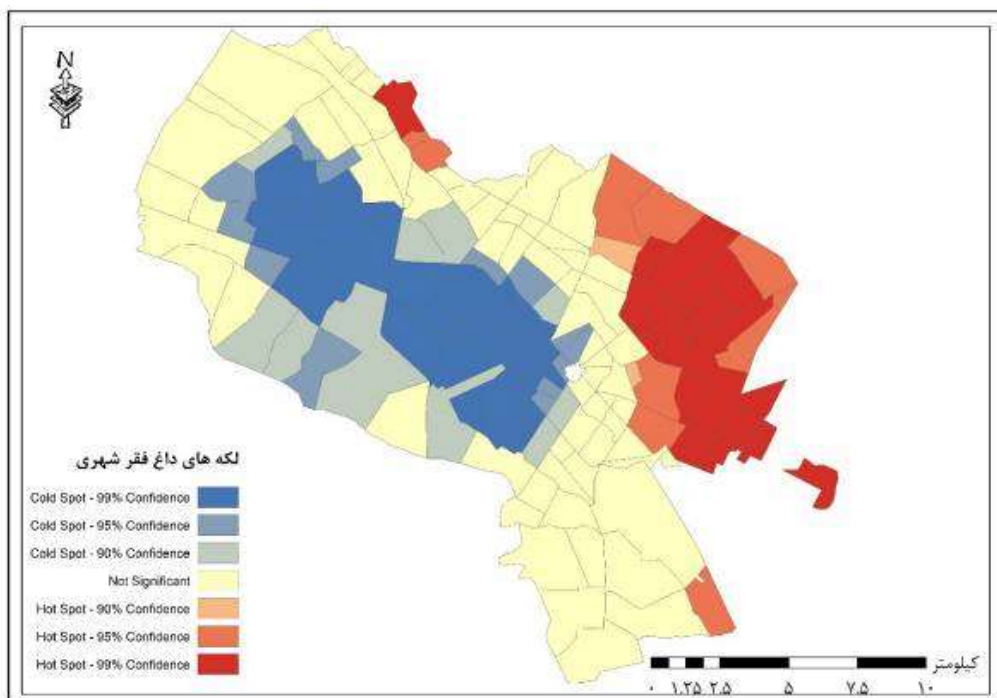
نقشه ۴. توزیع خوشه‌های محل سکونت مهاجران

۶، ۵، ۴، ۳، ۲ که حاشه شرقی، جنوب شرقی، شمال شرقی و شمالی شهر مشهد را تشکیل می‌دهند، وضعیت نامناسب‌تری از نظر فقر شهری نسبت به سایر مناطق مشهد دارند (نقشه ۵). همچنین، بررسی محلات فقر شهری با استفاده از آزمون لکه‌های داغ نشان داده است که حداکثر تمرکز فقر شهری در قسمت شرقی شهر مشهد و حداقل آن در قسمت غربی آن بوده است (نقشه ۶).

نتایج پژوهش فقر شهری در شهر مشهد نشان داده‌اند تمرکز فقر شهری بیشتر در حاشیه شهر مشهد و در قسمت شرقی شهر تمرکز یافته است و محدوده شرقی حرم رضوی نیز تا حدودی محلات فقر شهری تمرکز یافته‌اند. در محدوده غربی، جنوب غربی و نیز تا حدودی محدوده شمال غربی (مناطق ۲، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲) نسبت به سایر مناطق شهر مشهد از نظر فقر شهری وضعیت مناسب‌تری دارند؛ یعنی فقر شهری در آنها کمتر است. مناطق ۷،



نقشه ۵. توزیع فضایی فقر شهری در شهر



نقشه ۶. لکه‌های داغ فقر شهری در شهر مشهد

بین متغیر مستقل و متغیر وابسته را توضیح دهد. در مقابل، رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی به دلیل اجرای رگرسیون محلی برای یکایک عوارض، نتایج بهتری در توضیح رابطه متغیر مستقل و وابسته پژوهش حاضر داشته است و نشان می‌دهد متغیر مستقل

برای بررسی رابطه بین محلات فقر شهری و محل انتخابی سکونت مهاجران در شهر مشهد از آزمون رگرسیون چندگانه و رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی استفاده شده است. خروجی آزمون رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد این آزمون نتوانسته است رابطه

در ادامه، به منظور نمایش فضایی رابطه و تأثیر بین فقر شهری و محل انتخابی مهاجران برای سکونت از رگرسیون وزن دار جغرافیایی (Geographically Weighted Regression) (GWR) نیز استفاده شده است.

بر اساس خروجی رگرسیون وزنی جغرافیایی ضریب تعیین محلی (Local R²)^۲ برابر با ۰/۷۱۶ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۶۲۸ بوده که نشان دهنده برازش خوب بین متغیرهای پژوهش است.

رگرسیون وزن دار جغرافیایی در قسمت شمال شرقی و جنوب شهر (قسمت قرمز رنگ)، برازش به مراتب بهتری را نشان می دهد (نقشه ۷) از جمله مهم ترین محلات مذکور می توان به محلات شهید باهنر (منطقه ۶)، محله های بهارستان، ولیعصر و ابوذر در منطقه ۷، محله های بهمن، خواجه ربیع، سپس آباد و بلال در منطقه ۳ و محله پردیس در منطقه ۲ اشاره کرد.

نقشه ۸، ضریب رگرسیونی متغیر فقر شهری و تعداد مهاجرین را نمایش می دهد. همان طور که در نقشه مشخص است، میزان تأثیر متغیر فقر شهری بر میزان مهاجران ورودی در قسمت های شمال شرقی بیشتر از سایر مناطق شهر بوده است. در بخش های شمالی نیز میزان ضریب رگرسیونی نسبت به سایر مناطق بیشتر است و در مقابل، در قسمت های مرکزی و غربی میزان این ضریب کمتر شده است.

به صورت فضایی متغیر وابسته پژوهش حاضر را توضیح می دهد و برازش مناسبی دارد. جداول ۴ و ۵ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه را نشان می دهند. همان طور که در این جداول مشخص است، رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد و مقدار همبستگی آن ها ۰/۰۸۵ است که همبستگی نسبتاً مناسبی است. همچنین، مقدار ضریب تعیین (R²) برابر ۰/۰۰۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۰۰۱ است.

جدول ۴. خلاصه آزمون رگرسیون خطی

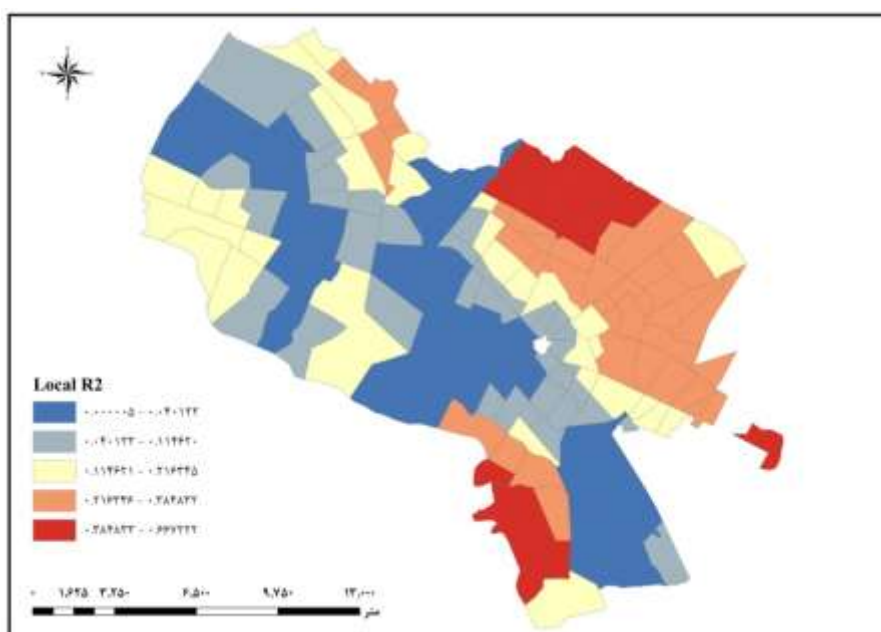
R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۰/۰۸۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۸۲۸/۸۹۶

جدول ۵. تحلیل واریانس (ANOVA)

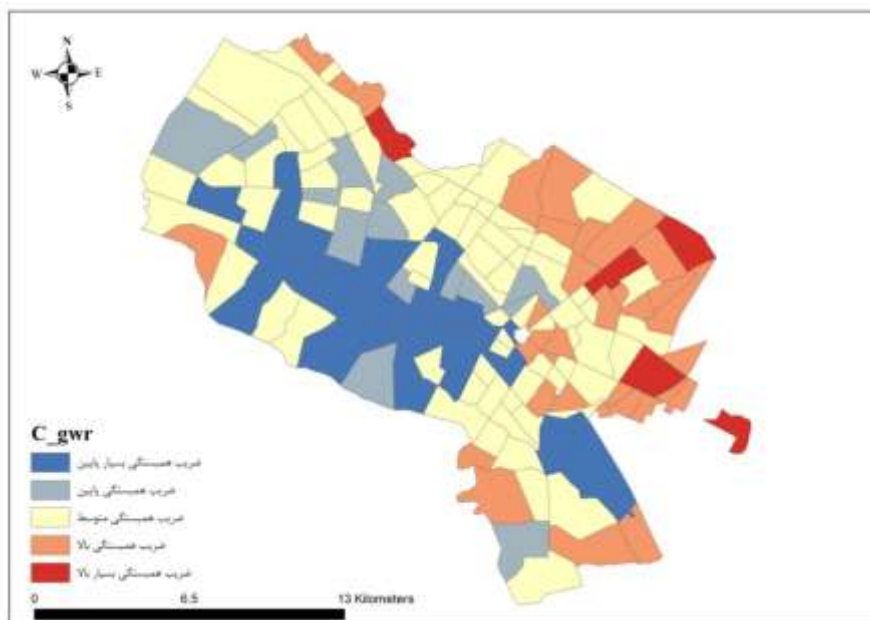
	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Regression	۷۶۷۸۳۶/۵۱	۱	۷۶۷۸۳۶/۵۱	۱/۱۲	۰/۲۹۲
Residual	۱۰۵۸۰۸۶۱۸/۴۷	۱۵۴	۶۸۷۰۶۸/۹۵		
Total	۱۰۶۵۷۶۴۵۴/۹۷	۱۵۵			

جدول ۶. جدول ضرایب آزمون رگرسیون خطی

	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	۶۳۲/۰۹۳	۳۲۳/۲		۱/۹۵۶	۰/۰۵۲
فقر شهری	۹۲۵/۶۵۵	۸۷۵/۶	۰/۰۸۵	۱/۰۵۷	۰/۲۹۲



نقشه ۷. رگرسیون وزنی جغرافیایی بین محلات فقیر شهر مشهد و محل سکونت مهاجران



نقشه ۸. ضریب رگرسیونی محلات فقیر شهر مشهد و محل سکونت مهاجران

نتیجه‌گیری

مقوله مهاجرت یکی از مهم‌ترین مقوله‌های موجود در هر جامعه است که در هر شرایطی بر مبدأ و مقصد مهاجرت تأثیر می‌گذارد که معمولاً (به جز در چند دهه اخیر که در کشورهایی نظیر آمریکا، مهاجرت از شهر با اطراف آغاز شده است) در این فرایند، جمعیت روستاها و مناطق کم‌برخوردار، کاهش و جمعیت مناطق برخوردار روزبه‌روز افزایش می‌یابد. روند مهاجرت از مناطق روستایی و کم‌برخوردار به مناطق شهری به خصوص از انقلاب صنعتی رشد یافته است؛ اما دلایل مهاجرت در کشورهای پیشرفته به دلیل نیاز شهرهای برخوردار به نیروی کار بیشتر بوده که باعث جذب مهاجران می‌شده است. برعکس این روند در کشورهای کمتر توسعه یافته، بیشتر به دلیل عوامل دافعه در مبدأ مهاجران بوده است. این امر سبب تحمیل شدن جمعیت اضافه، به منابع، امکانات و فرصت‌های شهرهای مقصد شده است. ایران، یکی از کشورهای کمتر توسعه یافته، از این قاعده مستثنی نبوده است. روند مهاجرت به شهرها و کلان‌شهرها در ایران از دهه ۱۳۴۰ شمسی تسریع یافته است. مهم‌ترین شهرهای مقصد مهاجران در ایران علاوه بر مراکز استان‌ها، کلان‌شهرها از جمله تهران، مشهد، کرج و ... نقش کلیدی در جذب جمعیت مهاجر از سرتاسر کشور دارند؛ زیرا مبدأ مهاجران به این کلان‌شهرها علاوه بر مناطق روستایی، شهرهای کوچک و کم‌برخوردارتر نیز است که با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی کشور، نبود شغل در

شهرهای کوچک‌تر و مناطق روستایی، مشکل زیست‌محیطی نظیر کم‌آبی و ... این روند مهاجرت تشدید خواهد شد (مشکلات کم‌آبی و گردوخاک‌های شرق کشور باعث مهاجرت ساکنان به شهرهای بزرگ‌تر و با آب‌وهوای بهتر شده است و در آینده ادامه خواهد داشت؛ بدون شک مشهد به‌عنوان کلان‌شهر شهر کشور نقش کلیدی در جذب این جمعیت خواهد داشت). با توجه به اینکه معمولاً جمعیت مهاجر بدون مهارت‌ها و توانایی مالی لازم برای سکونت در مناطق شهری استاندارد هستند، به اجبار در مناطق کم‌برخوردارتر سکنی می‌گزینند. این تحقیق نیز به دنبال بررسی محل سکونت مهاجران شهر مشهد طی سرشماری ۱۳۹۰ بوده است و اینکه آیا محل سکونت مهاجران با محلات فقیر شهر مشهد مطابقت دارد یا خیر. بررسی‌ها نشان داده‌اند الگوی سکونت مهاجران در شهر مشهد به صورت تصادفی نبوده است و از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کند که در مجموع، محلات مهاجرپذیر شهر مشهد در این دوره تشکیل دو خوشه داده‌اند؛ یک خوشه در جنوب غربی شهر مشهد منطبق بر منطقه ۹ شهرداری مشهد و یک خوشه نیز در منطقه ۳، ۴ و ۲ شهر مشهد تشکیل شده است (نقشه ۴). نمود فضایی فقر شهری در بین محله‌های شهری مشهد نشان‌دهنده نبود تعادل فضایی چشمگیر بین محله‌های شهر مشهد در ابعاد سه‌گانه فقر شهری بوده است. از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر باید به منطبق بودن بیشتر محله‌های فقیرنشین با بخش حاشیه‌نشین شهر (نقشه ۵) اشاره کرد. همان‌طور

یک نقطه خاص جلوگیری شود.

* مقوله دیگری که باید مدنظر مدیریت شهری کلان‌شهر مشهد واقع شود، توجه به بخش‌های ناکارآمد شهری در بخش‌های شرقی و شمالی این کلان‌شهر به‌عنوان کانون محلات فقیر شهر باشد؛ ازجمله بهبود شرایط زندگی مناسب در این محدوده با فراهم کردن امکانات و خدمات مورد نیاز آنها؛ زیرا در هر صورت این مناطق از نظر امکانات و خدمات نسبت به دیگر بخش‌های شهر ضعیف‌ترند و لازم است ارتقا یابند. همچنین، به‌صورت طبیعی بخشی از مهاجران که قادر به انتخاب محل سکونت خود در بخش‌های مرفه‌تر شهر نیستند، به این محلات روی می‌آورند و باعث فشار بیشتر به امکانات محدود محلات فقیر شهر می‌شود؛ این امر، لزوم توجه به این محلات را دوچندان می‌کند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۳). «حاشیه‌نشینی، ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن، مطالعه موردی: کریم‌آباد زاهدان»، *مجله جغرافیا و توسعه*، دوره ۲، شماره ۳، ۱۲۱-۱۴۳.
- برومندزاده، محمدرضا و نویخت، رضا (۱۳۹۳). «مروری بر نظریات جدید مطرح‌شده در حوزه مهاجرت»، *فصلنامه جمعیت*، دوره ۲۱، شماره ۹۰-۸۹، ۷۳-۹۰.
- بزی، خدارحم و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی علل شکل‌گیری و راهکار مقابله حاشیه‌نشینی شهر زابل با تأکید بر توانمندسازی»، *فصلنامه مطالعات شهری*، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۷-۲۹.
- بمانیان، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰). «سنجش اثرات مهاجرت به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تشخیص گستره فقر شهری سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از GIS: شهر کاشمر»، *فصلنامه آمایش محیط*، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۲۵-۱۴۶.
- بوچانی، محمدحسین (۱۳۸۳). «سکونت غیررسمی در محله بان برز ایلام»، *ماهنامه شهرداری‌ها*، سال ۶، شماره ۶۶.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴). *جاسه‌شناسی شهری*، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه پیام نور.
- حاتمی، داود و ملکی، سعید (۱۳۹۴). «حاشیه‌نشینی و چالش‌های اجتماعی - فرهنگی ناشی از آن با تأکید بر کلان‌شهرهای ایران»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی چشم‌انداز زاگرس*، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۱۱-۱۴۰.

که یافته‌ها نشان داده‌اند محلات فقیر شهر مشهد بیشتر در قسمت شرق، شمال شرق و شمال مشهد تمرکز یافته‌اند؛ اما مهم‌ترین محل سکونت مهاجران در جنوب شرقی شهر و تا حدودی شمال شرقی شهر مشهد بوده است. در مجموع، مهم‌ترین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند بین محلات فقیر شهر و محل سکونت مهاجران در شهر مشهد رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارتی، الگوی سکونت مهاجران در کلان‌شهر مشهد با مناطق حاشیه‌نشین و فقیر شهر مطابقت ندارد (جدول ۴، ۵ و ۶).

در مقابل، خروجی آزمون رگرسیون وزنی جغرافیایی، به‌دلیل دخیل کردن موقعیت و مکان عوارض در تحلیل‌های مکان‌محور، نتایج دقیق‌تری دارد که نشان می‌دهد در محلات شرقی و شمالی رابطه معناداری بین سکونت مهاجران و محلات فقیرنشین وجود دارد و این رابطه در مناطق مرکزی و غربی کمتر است.

یکی از مهم‌ترین دلایل این امر سکونت بخش اعظمی از مهاجران در منطقه ۹ و در مجموع در قسمت غربی شهر (نقشه ۳) بوده است؛ درحالی‌که محلات این مناطق از نظر فقر شهری نسبت به سایر محلات قسمت شرقی و شمال شرقی که به‌عنوان محلات فقیرنشین مشهد مشخص شده‌اند، به‌مراتب وضعیت مناسب‌تری دارند (مرفه‌تر هستند). این امر به نبود رابطه معنادار بین این دو پدیده در سطح شهر مشهد منجر شده است.

به‌دلیل به صرفه بودن ساخت‌وساز و نیز بالابودن هزینه‌ها (قیمت خرید و فروش مسکن و زمین) در منطقه ۹، بیشتر افراد با تمکن مالی مناسب‌تر به این منطقه مهاجرت می‌کنند. مهاجرانی که این منطقه را برای سکونت انتخاب می‌کنند، وضعیت اقتصادی به‌مراتب مناسب‌تری از سایر مهاجران واردشده به مناطق شرقی و شمال شرقی مشهد دارند. به‌طور خلاصه، مهاجرانی (بدون توجه به مبدأ مهاجرت) که تمکن مالی مناسب‌تری دارند می‌توانند در منطقه ۹ و در مجموع قسمت غربی مشهد ساکن شوند.

* با توجه به اینکه الگوی فضایی محل اسکان مهاجران به‌صورت تصادفی نبوده و بیشتر به‌صورت خوشه‌ای در بخش‌هایی از شهر بوده است (یعنی قسمت‌هایی نظیر محدوده مرکزی شهری، کمترین میزان مهاجران و بخش‌هایی مانند منطقه ۹ بیشترین مهاجران را پذیرا بوده‌اند)، لازم است مدیریت شهری با برنامه‌ریزی مناسب در راستای عدالت اجتماعی، توزیع فضایی محل‌های انتخابی مهاجران در سطح شهر را متعادل کند تا از مشکلات زیرساختی، اجتماعی و ... ناشی از تمرکز مهاجران در

قنبری، حکیمه و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیلی بر علل شکل‌گیری اسکان غیررسمی با استفاده از مدل تحلیل مسیر (مطالعه موردی: محله شادقلی خان شهر قم)»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال ۲۹، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۱۴، ۷۳-۸۸.

کمانداری، محسن و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی نقش و تأثیر مهاجرت بر حاشیه‌نشینی و امنیت در شهرها مطالعه موردی: شهر کرمان»، **دانش انتظامی خراسان رضوی**، دوره ۶، شماره ۲۶، ۱۰۳-۱۲۰.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) **نظریات مهاجرت**، شیراز: انتشارات نوید.

ماجدی، حمید و لطفی، کوروش (۱۳۸۶). «سکونتگاه‌های غیررسمی شهری در کلان‌شهر اهواز»، **نشریه هویت شهر**، سال ۱، شماره ۱، ۳۹-۵۱.

محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹). «مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی با تأکید بر توانمندسازی آن (مطالعه موردی: حاشیه‌نشینان شهر گرگان)»، **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی**، سال ۲، شماره ۴، ۱۳۳-۱۵۲.

محمدی‌ده‌چشمه، مصطفی و محمدی‌ده‌چشمه، مسعود (۱۳۹۱). «تحلیل جغرافیایی بر نتایج اکولوژیکی ناشی از مهاجرت در شهر اهواز»، **فصلنامه جمعیت**، دوره ۱۹، شماره ۷۹، ۶۹-۸۲. مرصوصی، نفیسه و صائی، محمدحسین (۱۳۸۸). «تحلیل جغرافیایی تأثیر اکولوژی اجتماعی بر توسعه کالبدی شهر نمونه موردی: شهر مشهد»، **مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، پیش شماره، ۷۳-۹۳.

موحد، علی و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل فضایی فقر شهری در کلان‌شهر تهران»، **فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری**، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۹ تا ۳۶.

نقدی، اسدالله (۱۳۸۹). «مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران»، **فصلنامه جمعیت**، دوره ۱۷، شماره ۷۳-۷۴، ۸۵-۱۰۴.

Baharoglu, D. & Kessides, Ch. (2002). "Urban poverty". A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies, Chapter 16. <http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/ TOPICS/EXTPOVERTY.2008/1/6>

Bien, M, Doquier. F, Rapoport. (2003). Brian drain and LDCs Growth: Winners and losers, IZA discussion paper.no818

Hajnal, Z. L. (1995). The nature of

حسینی، قربانی و همکاران (۱۳۹۷). «تحولات روند و الگوهای مهاجرت داخلی در استان‌های ایران»، **فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال ۸، شماره پیاپی ۳۱، ۱-۱۸.

رضایی، محمدرضا و کمانداری، محسن (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان، نمونه مورد مطالعه محلات سیدی و امام حسن»، **فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)**، سال ۴، شماره ۴، ۱۷۹-۱۹۶.

رضایی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۳). «شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۶، شماره ۳، ۶۷۷ تا ۶۹۵.

زادولی خواجه، شاهرخ و همکاران (۱۳۹۳). «سطح‌بندی محلات حاشیه‌نشین بر اساس شاخص‌های کالبدی - اقتصادی فقر شهری (نمونه موردی: حاشیه‌نشینان شمال شهر تبریز)»، **فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی**، سال ۳، شماره ۱۱، ۶۳-۷۸. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). **مهاجرت**، تهران: انتشارات سمت.

صرافی، مظفر و همکاران (۱۳۹۳). «واکاوی معیارهای پهنه‌بندی فقر شهری در شهر قدس: به سوی مفهوم مشترک محدوده‌های فرودست شهری»، **نشریه هف شهر**، دوره ۴، شماره ۴۷ و ۴۸، ۷-۲۴.

عباس‌زاده، شهاب و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر عوامل کیفیت محیطی بر رضایت‌مندی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی در مشهد»، **پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری**، دوره ۴، شماره ۴، ۶۵۳-۶۷۱.

قاسمی، مریم و همکاران (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی کیفیت زندگی روستاییان مهاجر به روستاهای پیراشهری مطالعه موردی: دهستان تبادکان شهرستان مشهد»، **مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای**، سال ۱۵، شماره ۱، ۱۲۳-۱۴۹.

قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵). «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۹) روستا و توسعه»، دوره ۹، شماره ۱، ۵۱-۸۰.

قرخلو، مهدی و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵). «تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی»، **تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۲۱، شماره ۲، ۵۹-۸۳.

- texture metrics derived from remote sensing data. *Landscape and Urban Planning*, 135, 11-21.
- Park, A., & Wang, D. (2010). Migration and urban poverty and inequality in China. *China Economic Journal*, 3(1), 49-67.
- Payne, G. (2004). *Key concepts in social research*. Sage.
- Tacoli, C., McGranahan, G., & Satterthwaite, D. (2015). *Urbanisation, rural-urban migration and urban poverty*. Human Settlements Group, International Institute for Environment and Development.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2005). A home in the city, Task force on improving the lives of slums dwellers.
- concentrated urban poverty in Canada and the United States. *Canadian Journal of Sociology/Cahiers canadiens de sociologie*, 497-528.
- He, S., Liu, Y., Wu, F., & Webster, C. (2008). Poverty incidence and concentration in different social groups in urban China, a case study of Nanjing. *Cities*, 25(3), 121-132.
- Ishtiaque, A., & Mahmud, M. S. (2017). Migration objectives and their fulfillment: A micro study of the rural-urban migrants of the slums of Dhaka city. *Geografia-Malaysian Journal of Society and Space*, 7(4).
- Duque, J. C., Patino, J. E., Ruiz, L. A., & Pardo-Pascual, J. E. (2015). Measuring intra-urban poverty using land cover and